

معیارهای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه در کشورهای مختلف

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۰۰۱

دفتر: مطالعات سیاسی

مهرماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۲.....	۱. شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی کشورها و تعیین حوزه‌های انتخابیه
۹.....	۲. نظام‌های انتخاباتی و تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه
۱۲.....	۳. نهاد مسئول تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه
۱۷.....	۴. فواصل زمانی تغییر و اصلاح محدوده حوزه‌های انتخابیه
۱۹.....	۵. شاخص‌ها و معیارهای تقسیم حوزه‌های انتخابیه
۲۳.....	۶. اطلاعات لازم برای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه
۲۵.....	۷. مراحل تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه
۲۵.....	۸. تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی در کشورهای مختلف
۲۸.....	نتیجه‌گیری
۲۹.....	منابع و مأخذ



معیارهای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه در کشورهای مختلف

چکیده

یکی از پایه‌های مردم‌سالاری انتخابات است. در کشورهای مردم‌سالار حکومت‌کنندگان از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند. برای گزینش حاکمان از طریق انتخابات، کشورهای مردم‌سالار نیازمند یک نظام انتخاباتی هستند. نظام‌های انتخاباتی انواع مختلف دارند. برخی از این نظام‌ها، نظام‌هایی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه هستند، به این معنا که کشور به چندین حوزه انتخابیه تقسیم می‌شود و انتخابات در این حوزه‌های انتخابیه صورت می‌گیرد. در این نظام‌ها از هریک از حوزه‌های انتخابیه یک یا چند نماینده انتخاب می‌شود. در نظام‌های انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه (به‌ویژه حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای) ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تغییر و اصلاح این مرزها در فواصل زمانی معین فرآیندی بسیار پراهمیت و در عین حال حساس و پیچیده است.

در پژوهش حاضر تلاش شده ابعاد مختلف فرآیند تقسیم حوزه‌های انتخابیه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا از تجربیات سایر کشورها در این امر در اجرای اصل شصت و چهارم قانون اساسی برای افزایش ۲۰ نفر به نمایندگان مجلس شورای اسلامی استفاده شود.

مقدمه

واژه «تعیین مرزهای حوزه‌های انتخابیه» عموماً برای اشاره به فرآیند تقسیم‌بندی و ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به کار می‌رود. با این حال گاه از این واژه برای اشاره به ترسیم مرزهای مراکز رأی‌گیری در درون یک حوزه انتخابیه هم استفاده می‌شود.

در پژوهش حاضر منظور از تعیین مرزهای انتخاباتی همان معنای اول، یعنی تعیین مرزهای حوزه‌های انتخابیه است. فرآیند تغییر مرزهای انتخاباتی یا ترسیم مجدد مرزهای انتخاباتی در فواصل زمانی معین فرآیندی ضروری در تمامی نظام‌های مردم‌سالاری است که در آنها انتخابات مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه (به‌ویژه حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای) می‌باشد. در این نوع نظام‌های مردم‌سالار چنانچه فرآیند تغییر و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در فواصل زمانی معین صورت نگیرد مردم‌سالاری آسیب جدی خواهد دید.

۱. شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی کشورها و تعیین حوزه‌های انتخابیه

فرآیند تغییر حوزه‌های انتخابیه نتایج بسیار مهمی نه فقط برای کاندیداهای حوزه‌های انتخابیه، بلکه برای رأی‌دهندگان و افراد ساکن در آن حوزه‌ها در پی خواهد داشت. همچنین نتایج انتخابات و ترکیب مجلس قانونگذاری تا حد زیادی بستگی به نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه دارد.



در کشورهای مختلف فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی تفاوت زیادی با هم دارد. این امر تا حد زیادی به وضعیت و ویژگی‌های متفاوت این کشورها بستگی دارد. در واقع ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور می‌تواند تأثیری عمیق بر نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در آن کشور بگذارد:

۱-۱. ویژگی‌های تاریخی

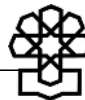
فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی فرآیندی نسبتاً جدید است. در آغاز قرن هجدهم میلادی نمایندگان مجالس اروپایی نماینده حوزه‌های انتخابیه مختلف نبودند، بلکه یا نماینده اصناف و گروه‌ها بودند یا نماینده مناطق و بخش‌ها. به‌عنوان مثال، در بریتانیا هر بخش، شهر یا دانشگاه صرف‌نظر از بزرگی و کوچکی‌اش دو نماینده به مجلس عوام می‌فرستاد. بنابراین نمایندگان پارلمان در واقع نماینده صنوف و مناطق بودند و نه نماینده حوزه‌های انتخابیه.

در نیمه پایانی قرن هجدهم میلادی حق رأی گسترش یافت و به‌تبع آن تقسیم حوزه‌های انتخابیه امری ضروری شد. در آن دوره اعتقاد بر این بود که تقسیم‌بندی کشور به حوزه‌های انتخابیه ضمن تحقق اصل برابری شهروندان باعث می‌شود مجلس دمکراتیک‌تری شکل بگیرد که واقعاً نماینده اقشار مختلف جامعه باشد.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی مستعمرات سابق بریتانیا در قاره آمریکا برای نخستین بار در انتخابات، کل کشور را به تعداد زیادی حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای (یعنی حوزه‌های انتخابیه‌ای که از هریک از آنها فقط یک نماینده انتخاب می‌شود)

تقسیم کردند. به دنبال آن بسیاری از کشورهای اروپایی از همین رویه پیروی کردند: دانمارک در سال ۱۸۴۹، ایتالیا در سال ۱۸۶۱، فرانسه در سال ۱۸۷۵، انگلستان در سال ۱۸۸۵ و هلند در سال ۱۸۸۷ اقدام به تقسیم کشور به حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای کردند.

در این دوره اکثر کشورهای که همچنان از شیوه انتخابات صنفی یا شیوه انتخابات مبتنی بر تقسیمات کشوری استفاده می‌کردند جزء کشورهای عقب‌مانده بودند. دو کشور پیشرفته‌ای که از این شیوه‌ها استفاده می‌کردند، سوئیس و بلژیک بودند. با این حال به تدریج با روی آوردن کشورهای اروپایی به نظام‌های انتخاباتی تناسبی و کاهش تعداد کشورهای تک‌نماینده‌ای که از نظام انتخاباتی اکثریتی استفاده می‌کردند از اهمیت حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای و به تبع آن از اهمیت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به شدت کاسته شد. دلیل این امر آن بود که در نظام‌های تناسبی یا کل کشور یک حوزه انتخابیه است و دیگر نیازی به ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیست و یا کشور به چندین حوزه انتخابیه چندنماینده‌ای تقسیم می‌شود و بنابراین ترسیم مرزهای انتخاباتی اهمیت چندانی ندارد. در نظام‌های انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای برای رعایت اصل متناسب بودن جمعیت حوزه‌های انتخابیه با تعداد نمایندگان آنها به جای تغییر مرزهای حوزه‌های انتخابیه تعداد نمایندگان حوزه‌ها کم یا زیاد می‌شود، بنابراین نیازی نیست که در فواصل معین مرزهای حوزه انتخابیه تغییر کند یا اصلاح شود. همچنین در این نظام‌ها معمولاً مرزهای اداری (نظیر مرز شهرها، استان‌ها و ایالت‌ها) به عنوان مرز حوزه‌های انتخابیه در نظر گرفته می‌شود و این خود



از اهمیت فرآیند ترسیم مرزهای انتخاباتی می‌کاهد.

نخستین کشور اروپایی که به سمت نظام انتخاباتی تناسبی حرکت کرد بلژیک بود. این کشور در سال ۱۸۹۹ نظام انتخاباتی خود را به یک نظام تناسبی تغییر داد. به دنبال این کشور بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر هم به سمت نظام‌های انتخاباتی تناسبی روی آوردند. در حال حاضر هم اکثر کشورهای اروپایی دارای نظام‌های تناسبی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای هستند که در اغلب موارد مرزهای این حوزه‌های انتخابیه منطبق با تقسیمات کشوری است. بنابراین این کشورها نیاز چندانی به تغییر و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه خود در فواصل زمانی معین ندارند.

۲-۱. ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی

حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای (که در آنها فرآیند ترسیم مرزها ضروری است) چندین حسن دارند. سه مزیت مهم این نظام‌ها عبارتند از ساده بودن، ایجاد ثبات و ایجاد ارتباط قوی بین نمایندگان و حوزه‌های خود. هر کدام از این موارد می‌تواند با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک کشور خاص بسیار مهم باشند.

رأی‌دهی در نظام‌های انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های تک‌نماینده‌ای برای رأی‌دهندگان بسیار ساده است. این سادگی می‌تواند حسن مهمی برای کشورهایی که دارای نرخ بالای بی‌سوادی است، محسوب شود. همچنین نظام‌های انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های تک‌نماینده‌ای با ایجاد حکومت‌های تک‌حزبی و قوی ثبات سیاسی ایجاد

می‌کند. این امر بدان خاطر است که در این نظام‌های انتخاباتی بخش عمده کرسی‌های مجلس و نیز قوه مجریه در اختیار بزرگ‌ترین و قدرتمندترین حزب قرار می‌گیرد. این مسئله برای کشورهایی که دارای تعداد زیادی حزب افراطی کوچک هستند یا با مشکل حکومت‌های ائتلافی که به سرعت سقوط می‌کنند، مواجهند؛ بسیار پراهمیت و حیاتی است. به‌علاوه، در حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای، نمایندگانی که انتخاب می‌شوند تنها نماینده حوزه انتخابیه خود هستند بنابراین مجبورند رابطه نزدیکی با مردم حوزه انتخابیه خود داشته و کاملاً پاسخگوی حوزه انتخابیه خود باشند. این امر می‌تواند نوعی حس «مفید بودن در عرصه سیاسی» در رأی‌دهندگان ایجاد کند و بنابراین مشارکت آنها در انتخابات را افزایش دهد. احساس سودمند بودن به لحاظ سیاسی و مشارکت در انتخابات دو جزء مهم مشروعیت نظام‌های سیاسی و به‌ویژه نظام‌های تازه دموکراتیک شده هستند.

اما حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای معایبی هم دارند: نخست آنکه در انتخابات‌های مبتنی بر این نوع حوزه‌های انتخابیه بزرگ‌ترین و قدرتمندترین حزب همه چیز را از آن خود می‌کند و سایر احزاب و گروه‌ها کاملاً بی‌بهره می‌مانند. در واقع کشورهایی که دارای حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای هستند باید بپذیرند که نتایج انتخابات در این حوزه‌ها تا حد زیادی غیرتناسبی است. در کشورهایی که دارای تعداد زیادی حزب سیاسی هستند که هرکدام نماینده گروه قابل توجهی از شهروندان کشور است نتایج غیرتناسبی و بنابراین حوزه‌های تک‌نماینده‌ای نامناسب است. همچنین در کشورهایی که دارای شکاف‌های اجتماعی عمیقی هستند به‌کارگیری



حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای می‌تواند مشکلات قابل توجهی ایجاد کند. به‌عنوان مثال در کشورهایی که دارای حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای هستند گروه‌های اقلیت قومی، زبانی و نژادی همواره از به قدرت رسیدن محروم می‌شوند و همواره اکثریت تمامی قدرت را در اختیار می‌گیرد. در این کشورها احتمال آنکه گروه‌های اقلیت به خشونت متوسل شوند بسیار بالاست.

همچنین در کشورهایی که از حوزه‌های تک‌نماینده‌ای استفاده می‌کنند و بنابراین ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در آنها امری ضروری است، ممکن است مشکلاتی همچون سیاسی شدن فرآیند ترسیم مرزها بروز کند. به این معنا که گروهی که قدرت را در اختیار دارد مرزها را به‌گونه‌ای نامتناسب (یعنی نامتناسب با جمعیت حوزه‌ها) و یا به‌گونه‌ای متقلبانانه (یعنی به‌گونه‌ای که وزن گروه حاکم در حوزه‌های انتخابیه بیشتر شود) ترسیم کند. برای جلوگیری از این مشکل برخی کشورها اقداماتی صورت داده‌اند. به‌عنوان مثال بسیاری از کشورهای مشترک‌المنافع وظیفه تعیین حوزه‌های انتخابیه را از دست مجلس قانونگذاری خارج کرده و آن را برعهده یک نهاد مستقل قرار داده‌اند. با این حال هنوز در بسیاری از کشورها که با مسئله تعیین حوزه‌های انتخابیه مواجهند با این مشکل دست به گریبانند. به‌علاوه با واگذاری وظیفه تعیین حوزه‌های انتخابیه به یک نهاد مستقل صرفاً فرآیند ترسیم مرزها اصلاح شده، اما نتایج انتخابات همچنان غیرتناسبی است. بنابراین کشورهای مختلف باید متناسب با نیازهای سیاسی و اجتماعی خود نوع نظام انتخاباتی و به‌تبع آن نوع حوزه‌های انتخابیه خود را برگزینند.

۳-۱. ملاحظات اداری و مالی

فرآیند تعیین حوزه‌های انتخابیه فرآیندی پیچیده، پرهزینه و زمان‌بر است. کشورهای مجبور به ترسیم و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخاباتی در فواصل معین هستند باید به لحاظ اداری و مالی توانایی‌های لازم برای این کار را داشته باشند. مدیریت فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیز پیچیده و زمان‌بر است. اطلاعات لازم باید از منابع مختلف گردآوری شده، تأیید شوند و مورد استفاده قرار گیرند. مرزها باید چندین بار ترسیم شوند و مورد ارزیابی و بازبینی قرار گیرند و پس از آنکه مرزهای نهایی ترسیم شد و تصمیم نهایی گرفته شد این امر باید به مرحله اجرا درآید. همچنین این امر مستلزم تغییر در لیست رأی‌دهندگان و اطلاع‌رسانی به مسئولان و رأی‌دهندگان در مورد مرزهای انتخاباتی جدید است. به‌علاوه مرزها و مکان‌های مراکز رأی‌گیری در داخل حوزه‌های انتخابیه باید تغییر کند.

در نهایت اینکه اجرای تصمیمات اتخاذ شده ممکن است نیازمند همکاری مسئولان دولتی و انتخاباتی در سطوح محلی باشد. هرچند امروزه برای تعیین حوزه‌های انتخابیه از رایانه استفاده می‌شود، اما در عین حال که استفاده از رایانه کارها را ساده‌تر کرده است از برخی جنبه‌ها باعث پیچیده‌تر شدن کارها شده است. اولاً استفاده از رایانه مستلزم پرداخت هزینه برای خرید رایانه و ملزومات آن و نیز آموزش و استخدام نیروی انسانی ماهر است. همچنین جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای ترسیم مرزهای انتخاباتی می‌تواند بسیار پرهزینه باشد.

در حال حاضر میزان پولی که در کشورهای مختلف برای ترسیم مرزهای



حوزه‌های انتخاباتی هزینه می‌شود، متفاوت است. برای مثال در نیوزلند هزینه مالی اصلاح مرزهای انتخاباتی که هر پنج سال یکبار صورت می‌گیرد نسبتاً پایین است (حدود ۱/۸ میلیون دلار نیوزلند)، درحالی که هزینه اصلاح مرزهای انتخاباتی در انگلستان بسیار بالاست (حدود ۵ میلیون پوند).

در ایالات متحده هر ده سال یکبار پول کلانی صرف اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه می‌شود، البته همان‌طور که در بخش‌های بعدی اشاره خواهد شد در این کشور فرآیند اصلاح حوزه‌های انتخابیه به شدت غیرمتمرکز است و پولی که به این امر اختصاص می‌یابد در هر ایالت متفاوت است. به عنوان مثال در انتخابات کنگره در سال ۲۰۰۰ برخی از ایالت‌ها بیش از یک میلیون دلار برای فرآیند ترسیم مرزهای انتخاباتی هزینه کردند و مبالغ کلان دیگری هم صرف دفاع از ترسیم مرزها در دادگاه نمودند، درحالی که برخی دیگر از ایالت‌ها پول بسیار کمتری صرف این کار کردند. با این حال صرف‌نظر از میزان پولی که برای تغییر یا اصلاح مرزهای انتخاباتی باید هزینه شود کشورها باید بدانند که فرآیند تغییر یا اصلاح مرزها یک فرآیند یکبار برای همیشه نیست و باید هرچند یکبار اقدام به این کار کند و به تبع هزینه‌های مالی و اداری آن را هم متحمل شوند.

۲. نظام‌های انتخاباتی و تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه

به طور کلی نظام‌های انتخاباتی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- اکثریتی (نسبی و مطلق): کرسی‌ها در اختیار نامزدهایی قرار می‌گیرد که

اکثریت (نسبی یا مطلق) آرا را کسب می‌کنند.

- **تناسبی:** کرسی‌ها به تناسب آرای که احزاب به دست می‌آورند بین آنها تقسیم

می‌شود.

- **مختلط:** بخشی از کرسی‌ها براساس نظام تناسبی و بخش دیگر آن براساس

نظام اکثریتی توزیع می‌شود.

۱-۲. نظام‌های اکثریتی و فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

ضرورت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در نظام اکثریتی بیش از سایر نظام‌های انتخاباتی است. در واقع ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و اصلاح آنها در فواصل زمانی مشخص از اجزای ضروری اکثر نظام‌های انتخاباتی اکثریتی است. در اکثر نظام‌های انتخاباتی اکثریتی حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای هستند (یعنی از هر حوزه فقط یک نفر انتخاب می‌شود). حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای بیش از حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای نیازمند تعیین مرزهای حوزه‌های انتخاباتی هستند. در این حوزه‌ها از آنجا که از هر حوزه فقط یک نماینده انتخاب می‌شود مرزهای حوزه‌های انتخابیه اهمیت بسیار زیادی دارند، البته برخی از نظام‌های انتخاباتی اکثریتی هم مبتنی بر حوزه‌های چندنماینده‌ای هستند (یعنی از هر حوزه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود). در این نوع حوزه‌ها هرچند ترسیم مرزهای انتخاباتی اهمیت دارد، اما اهمیت و ضرورت آن به اندازه ترسیم مرزهای حوزه‌های تک‌نماینده‌ای نیست.



۲-۲. نظام‌های انتخاباتی تناسبی و فرآیند ترسیم مرزهای انتخاباتی

نظام‌های تناسبی دو نوع اصلی دارند: نظام مبتنی بر لیست‌های حزبی و نظام تکراری قابل انتقال. نظام مبتنی بر لیست‌های حزبی در کشورهای بیشتری به کار برده می‌شود. در این نوع نظام انتخاباتی ترسیم مرزهای انتخاباتی اهمیت و ضرورت چندانی ندارد، زیرا اولاً حوزه‌های انتخابیه چندنماینده‌ای و بسیار بزرگ هستند و ثانیاً مرزهای حوزه‌های انتخابیه منطبق با مرزهای تقسیمات اداری و کشوری است. بنابراین در این نظام بجای اصلاح و تغییر مرزهای حوزه‌های انتخابیه در فواصل معین معمولاً تعداد نمایندگان آن حوزه‌ها را کم و زیاد می‌کنند و مرزها دست‌نخورده باقی می‌ماند.

نظام تکراری قابل انتقال فقط در دو کشور ایرلند و مالت به کار برده می‌شود. از آنجا که این نظام انتخاباتی کاندیدامحور است و نه حزب‌محور این دو کشور دارای حوزه چندنماینده‌ای اما کوچک هستند (هر حوزه بین ۳ تا ۵ نماینده دارد). بنابراین، این دو کشور هم مجبورند مرزهای حوزه‌های انتخابیه خود را در فواصل زمانی مشخص اصلاح و تغییر دهند.

۲-۳. نظام‌های انتخاباتی مختلط و تعیین مرزهای حوزه‌های انتخابیه

در سال‌های اخیر استقبال زیادی از نظام‌های انتخاباتی مختلط شده است. این نظام‌ها ترکیبی هستند از یک نظام تناسبی لیستی و یک نظام اکثریتی. نظام انتخاباتی آلمان بهترین نمونه نظام‌های مختلط است. از آنجا که بخشی از نظام‌های مختلط را یک نظام اکثریتی تشکیل می‌دهد. بنابراین در این نوع نظام‌ها هم فرآیند ترسیم و اصلاح منظم

مرزهای حوزه‌های انتخاباتی امری ضروری و گریزناپذیر است. در نظام‌های مختلط میزان اهمیت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و نتایج انتخابات تا حد زیادی بستگی به رابطه دو بخش نظام (یعنی بخش تناسبی و بخش اکثریتی) دارد. اگر بخش تناسبی نظام، نتایج بخش اکثریتی را اصلاح کند در این صورت اهمیت ترسیم مرزهای انتخاباتی زیاد نیست و نتایج انتخابات هم تناسبی‌تر است. این نوع نظام مختلط نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط نامیده می‌شود. این نظام در کشورهای مثل آلمان کاربرد دارد، اما در کشورهای همچون روسیه دو بخش نظام ارتباطی با هم ندارند. به این معنا که در بخشی از کشور نظام اکثریتی به کار برده می‌شود و در بخش دیگر نظام تناسبی لیستی. بنابراین بخش تناسبی نتایج نظام اکثریتی را اصلاح نمی‌کند. این نوع نظام انتخاباتی نظام موازی نامیده می‌شود. در این نظام انتخاباتی ترسیم و اصلاح منظم مرزها در بخش اکثریتی اهمیت زیادی دارد.

۳. نهاد مسئول تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه

کشورهایی که در آنها فرآیند ترسیم و اصلاح مرزهای انتخاباتی فرآیندی ضروری است باید نهادی را مسئول این کار کنند. هرچند وظیفه تمامی نهادهای مسئول ترسیم مرزهای انتخاباتی مشابه هم است یعنی تقسیم کشورها به حوزه‌های انتخابیه برای انتخاب نمایندگان، اما در کشورهای مختلف نهادهایی که مسئول انجام این وظیفه هستند تفاوت‌های زیادی با هم دارد. به طور کلی در کشورهای مختلف یکی از چهار نهاد زیر این وظیفه را انجام می‌دهد.



۱-۳. کمیسیون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه

در اکثر کشورهای دنیا کمیسیون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه، وظیفه ترسیم مرزهای انتخاباتی را برعهده دارد. بریتانیا نخستین کشوری بود که چنین نهاد تخصصی را تأسیس کرد. به دنبال آن بسیاری از کشورهای که تحت نفوذ این کشور بودند نظیر نیوزلند، استرالیا، کانادا و کشورهای حوزه کارائیب و کشورهای آفریقایی همچون بوستوانا، زامبیا و نامیبیا هم اقدام به تأسیس چنین نهادی در کشور خود کردند.

کمیسیون‌های ترسیم مرزهای انتخاباتی معمولاً کوچک هستند و بین ۳ تا ۹ عضو دارند. برای مثال کمیسیون ترسیم مرزهای انتخاباتی در کانادا ۳ عضو، در انگلستان ۴ عضو و در آلمان و نیوزلند ۷ عضو دارد. کمیسیون ترسیم مرزهای انتخاباتی آلبانی هم دارای ۹ عضو است.

این کمیسیون‌ها معمولاً از افراد فاقد وابستگی‌های حزبی که در زمینه مسائل انتخابات، جغرافیا یا آمار صاحب نظر هستند، تشکیل می‌شوند. برای مثال در استرالیا، نیوزلند و انگلستان یکی از مسئولان انتخاباتی، رئیس اداره نقشه‌برداری ملی و یک مهندس نقشه‌کشی در کمیسیون حضور دارند. همچنین در استرالیا یک کارشناس آمار عضو کمیسیون می‌باشد. در کانادا کمیسیون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی با کارشناسان انتخابات و مسائل جغرافیایی مشورت می‌کند. همچنین در برخی از کشورها یک یا چند مقام قضایی در کمیسیون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی حضور دارند. به عنوان مثال در هند دو نفر از سه عضو کمیسیون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه حتماً باید قاضی باشند.

در بسیاری از کشورها نظیر کانادا و استرالیا عضویت افراد دارای وابستگی‌های سیاسی یا حزبی در کمیسیون ترسیم مرزهای انتخاباتی ممنوع است، اما در برخی از کشورها نمایندگان از همه احزاب بزرگ کشور در کمیسیون عضویت دارند برای مثال در کمیسیون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی نیوزلند یک نفر به نمایندگی از حزب حاکم و یک نفر، نمایندگی از احزاب اپوزیسیون حضور دارند.

۲-۳. کمیسیون انتخابات

در برخی از کشورها کمیسیون انتخابات که وظیفه اصلی‌اش برگزاری انتخابات است وظیفه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را هم برعهده دارد. در تعدادی از این کشورها کمیسیون انتخابات کاملاً وابسته به مجلس یا دولت است (مثل لیتوانی، مکزیک و لهستان)، اما در برخی دیگر از آنها کمیسیون انتخابات کاملاً مستقل است (مثل کنیا، نیجریه و تانزانیا).

۳-۳. مجلس قانونگذاری

در تعدادی از کشورها مجالس قانونگذاری مسئولیت تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی را برعهده دارند. برخی از این کشورها دارای نظام انتخاباتی تناسبی لیستی هستند. در این نوع کشورها، مجلس مرزهای حوزه‌های انتخابیه را یکبار برای همیشه تعیین می‌کند و این مرزها از آن پس بدون تغییر باقی می‌ماند. در این کشورها برای انعکاس تغییرات جمعیتی که در حوزه‌های انتخابیه رخ می‌دهد به جای تغییر



مرزهای حوزه‌های انتخابیه تعداد نمایندگان حوزه‌ها کم و زیاد می‌شود. ازجمله این کشورها می‌توان به بلژیک، بلغارستان، کرواسی، فنلاند، ایسلند و سوئد اشاره کرد. برخی دیگر از کشورهایی که در آنها وظیفه ترسیم مرزهای انتخاباتی با مجلس است دارای نظام‌های انتخاباتی مختلط هستند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد اهمیت ترسیم مرزهای انتخاباتی در این نوع نظام‌های انتخاباتی بیش از نظام‌های تناسبی است. ازجمله این کشورها می‌توان به ایتالیا، کره جنوبی، قرقیزستان و پاناما اشاره کرد. ایالات متحده ازجمله معدود کشورهایی است که دارای نظام اکثریتی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای هستند و در آنها وظیفه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده مجلس قانونگذاری است. همان‌طور که قبلاً بیان شد در نظام‌های انتخاباتی اکثریتی (به‌ویژه نظام‌های اکثریتی مبتنی بر حوزه‌های تک‌نماینده‌ای) اهمیت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه بسیار زیاد است. در ایالات متحده ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه تا حد زیادی جنبه سیاسی و حزبی دارد. به این معنا که حزبی که اکثریت کرسی‌های کنگره را در اختیار دارد به‌دلیل اهمیت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی تلاش زیادی برای ترسیم مرزهای انتخاباتی به نفع خود می‌کند.

۳-۴. قوه مجریه

در تعداد اندکی از کشورها نهادهای وابسته به قوه مجریه همچون وزارت کشور مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه می‌باشند. به‌عنوان مثال در فرانسه وزارت کشور فرانسه این وظیفه را برعهده دارد.

میزان متمرکز بودن فرآیند تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه

در کشورهای مختلف میزان متمرکز بودن فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه متفاوت است. در برخی کشورها این فرآیند به شدت غیرمتمرکز است و واحدهای منطقه‌ای همچون ایالت‌ها و استان‌ها نقش اصلی را در ترسیم مرزهای انتخاباتی ایفا می‌کنند و دولت مرکزی چندان نقشی در این فرآیند ندارد. در برخی دیگر از کشورها این فرآیند کاملاً متمرکز است و به این معنا که یک نهاد ملی به تنهایی وظیفه ترسیم مرزهای انتخاباتی در کل کشور را برعهده دارد. برخی از کشورها هم در حد وسط این دو هستند به این معنا که یک نهاد ملی مسئول ترسیم مرزهای انتخاباتی است اما این با همکاری و اعطای بخشی از اختیارات خود به نهادهای محلی اقدام به ترسیم این مرزها می‌کند.

در ایالات متحده ترسیم مرزهای انتخاباتی کاملاً غیرمتمرکز است در این کشور هرچند کنگره قانوناً مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است، اما کنگره فقط تعداد کرسی‌هایی که باید به هر ایالت اختصاص یابد را مشخص می‌کند و خود ایالت‌ها ترسیم و تغییر مرزهای حوزه‌های انتخابیه، را انجام می‌دهند.

کانادا و استرالیا هرچند مثل ایالات متحده فدرال هستند، اما در این دو کشور فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه متمرکزتر از آمریکا است. در استرالیا و کانادا هر ایالت یک کمیسیون ترسیم مرزهای انتخاباتی دارد. با این حال دولت مرکزی دستورالعمل‌ها و معیارهای تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه را مشخص می‌کند.

همچنین فرآیند ترسیم مرزهای انتخاباتی در هر ایالت باید مساعدت و همکاری



نهادهای ملی مسئول برگزاری انتخابات صورت بگیرد. به‌عنوان مثال در کانادا کمیسیون‌های ایالتی ترسیم مرزهای انتخاباتی موظفند با کمیسیون انتخابات این کشور همکاری کنند. در استرالیا هم رئیس کمیسیون انتخابات کشور نماینده‌ای در هریک از کمیسیون‌های ایالتی ترسیم مرزهای انتخاباتی دارد.

با این‌حال در اکثر کشورهای دنیا فرآیند ترسیم مرزهای انتخاباتی به‌شدت متمرکز است. به این معنا که یک نهاد ملی نقش اصلی را در ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در کل کشور به‌عهده دارد. در آلمان یک کمیته دائمی هفت نفره وظیفه ترسیم مرزهای حوزه انتخابیه را در کل کشور برعهده دارد. در فرانسه وزیر کشور مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه کل کشور است. در هند هم کمیسیون ترسیم مرزهای انتخاباتی این وظیفه را برعهده دارد.

۴. فواصل زمانی تغییر و اصلاح محدوده حوزه‌های انتخابیه

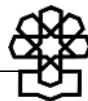
در اکثر کشورهایی که فرآیند ترسیم و اصلاح مرزهای انتخاباتی ضروری است این فرآیند به‌طور منظم هر چند سال یک‌بار صورت می‌گیرد هرچند زمان استاندارد در این زمینه وجود ندارد، اما معمولاً فاصله دوره‌های تغییر و اصلاح مرزهای انتخاباتی زیاد نیست. به‌عنوان مثال در فرانسه این امر هر ۱۲ تا ۱۴ سال یک‌بار انجام می‌گیرد. رایج‌ترین فاصله زمانی بین دوره‌های تغییر مرزهای انتخاباتی ده سال است، چنانکه در کشورهایی همچون کانادا، هند، ژاپن، مالزی، مکزیک، نپال، پاکستان، تانزانیا و ایالات متحده فاصله زمانی ده سال برای اصلاح مرزهای حوزه‌های

انتخابیه در نظر گرفته شده است. در آلبانی، فیجی، باهاماس، نیوزلند، ترکیه و زیمبابوه فرآیند اصلاح حوزه‌های انتخابیه هر پنج سال یکبار صورت می‌گیرد. در استرالیا این فرآیند هر هفت سال یکبار و در انگلستان و ایرلند هر ۱۲ سال یکبار انجام می‌گیرد.

البته تعیین زمان مشخص برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه ضرورتاً به معنای اصلاح مرزها در آن زمان نیست. برای مثال درحالی که براساس قوانین هند مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید از هر سرشماری جمعیتی (هر ۱۰ سال) اصلاح شود، اما در این کشور مرزهای انتخاباتی سال ۱۹۷۳ تا سال ۲۰۰۰ بدون تغییر باقی مانده بودند.

حدود دوسوم کشورهایی که در آنها فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی صورت می‌گیرد تاریخ مشخصی برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخاباتی خود در نظر نگرفته‌اند. در این کشورها اصلاح مرزهای انتخاباتی معمولاً بعد از سرشماری‌های جمعیتی، تغییر تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به یک منطقه یا تغییر مرزهای تقسیمات کشوری انجام می‌پذیرد.

عدم اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه برای یک مدت طولانی ممکن است باعث شود تغییرات جمعیتی در حوزه‌های انتخابیه به خوبی منعکس نشود. با این حال تغییر سریع مرزهای حوزه‌های انتخاباتی هم می‌تواند هزینه‌های زیادی برای کشور داشته باشد. این امر می‌تواند منجر به تضعیف پیوند نمایندگان و حوزه‌های انتخابیه‌شان شود.



۵. شاخص‌ها و معیارهای تقسیم حوزه‌های انتخابیه

در کشورهای مختلف شاخص‌ها یا معیارهای مشخصی برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود دارد. این معیارها معمولاً در قانون انتخابات ذکر می‌شود با این حال در برخی از کشورها این معیارها در قانون اساسی هم ذکر شده‌اند.

۱-۵. جمعیت

رایج‌ترین معیار برای ترسیم محدوده حوزه‌های انتخابیه و اصلاح این مرزها، شاخص جمعیتی است. در اکثر کشورها اصل بر این است که حوزه‌های انتخابیه باید به لحاظ جمعیتی تقریباً مساوی باشند. این امر بدان خاطر است که در دمکراسی‌ها اصل بر این است که تمام مردم یک کشور به یک اندازه در انتخابات نمایندگان خود نقش داشته باشند.

با این حال، اینکه منظور از جمعیت چیست در کشورهای مختلف متفاوت است. جمعیت می‌تواند سه معنا داشته باشد: کل افراد، کل شهروندان و کل رأی‌دهندگان، تقریباً در نیمی از کشورهایی که در آنها فرآیند ترسیم مرزهای انتخاباتی انجام می‌گیرد منظور از جمعیت کل افراد یک حوزه انتخابیه است. در برخی دیگر از کشورها منظور از جمعیت حوزه انتخابیه افرادی است که برای رأی‌دهی ثبت‌نام کرده‌اند. در تعدادی از کشورهای اروپایی منظور از جمعیت یک حوزه انتخابیه شهروندان ساکن آن حوزه است.

در برخی کشورها اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه به‌طور دقیق اجرا

می‌شود. به‌عنوان مثال در ایالات متحده حوزه‌های انتخابیه به‌گونه‌ای تقسیم می‌شوند که جمعیت تمامی آنها برابر باشد. در این کشور به محض اینکه جمعیت یک حوزه انتخابیه اندکی (حدود یک درصد) نسبت به سایر حوزه‌ها افزایش یا کاهش می‌یابد فرآیند اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه به مرحله اجرا در می‌آید. در برخی دیگر از کشورها رعایت اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه ضعیف‌تر از ایالات متحده صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال در مقدونیه چنانچه میزان اختلاف جمعیت یک حوزه انتخابیه با سایر حوزه‌ها به سه درصد برسد فرآیند اصلاح مرزهای آن حوزه آغاز می‌شود. در نیوزلند، آلبانی و یمن این حدنصاب ۵ درصد و در استرالیا، ایتالیا و اوکراین ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است.

در برخی از کشورها این حدنصاب بالاتر است، مثلاً در ارمنستان، آلمان و جمهوری چک چنانچه اختلاف جمعیت حوزه‌های انتخابیه به بیش از ۱۵ درصد برسد تقسیم‌بندی مجدد حوزه‌های انتخابیه ضروری می‌شود. در بریتانیا در سال ۱۹۴۴ حدنصاب ۲۵ درصد در نظر گرفته شد. با این‌حال دو سال بعد این حدنصاب حذف شد و براساس قانون انتخابات مقرر شد جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا حد ممکن برابر باشد. با این‌حال از آنجا که در همین قانون اصل احترام‌گذاری به مرزهای محلی و نیز اصل توجه به شرایط جغرافیایی بر اصل برابری جمعیت اولویت داده شده امکان دارد جمعیت برخی از حوزه‌های انتخابیه به شدت کمتر یا بیشتر از سایر حوزه‌ها باشد.



۲-۵. جغرافیا

در تعدادی از کشورها براساس قانون انتخابات برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی علاوه بر شاخص جمعیت، شاخص جغرافیا هم مورد توجه قرار می‌گیرد. شاخص جغرافیا را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: مرزهای جغرافیایی و اندازه و شکل جغرافیایی حوزه‌های انتخابیه.

۱-۲-۵. مرزهای جغرافیایی

در برخی کشورها نهادهای مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به هنگام ترسیم مرزهای انتخاباتی به مرزهای جغرافیایی موجود توجه داشته باشند. این مرزها ممکن است مرزهای اداری نظیر مرزهای کانتی‌ها یا مرزهای شهرداری‌ها باشد و یا مرزهای طبیعی نظیر رودخانه‌ها، جزایر و کوه‌ها، به‌عنوان مثال در آلبانی، بنگلادش، بلغارستان، کامرون، کانادا، کرواسی، جمهوری چک، فیجی، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مالزی، مکزیک، کنیا، پاکستان و انگلستان نهادهای مسئول ترسیم مرزهای انتخاباتی موظفند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را با توجه به مرزهای اداری موجود انجام دهند. در برخی از این کشورها شاخص مرزهای جغرافیایی در ترسیم مرزهای انتخاباتی اولویت بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها دارد. به‌عنوان مثال در انگلستان توجه به مرزهای اداری محلی مهمترین فاکتور در ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است حتی اگر این امر باعث شود جمعیت حوزه‌های انتخابیه نابرابر شود.

۲-۵. اندازه و شکل جغرافیایی حوزه‌های انتخابیه

یکی دیگر از شاخص‌های جغرافیایی، شکل و اندازه حوزه‌های انتخابیه است. در برخی از کشورها یکی از اصول اساسی در طراحی محدوده حوزه‌های انتخابیه آن است که حوزه‌های انتخابیه دارای شکل و اندازه معقولی باشند. برای مثال در مکزیک کمیسیون انتخابات موظف است حوزه‌های انتخابیه‌ای ایجاد کند که شکل منظمی داشته باشند. همچنین در آلبانی، ارمنستان، بنگلادش، بلاروس، جمهوری دومینکن، هند، ایتالیا، پاکستان و ایالات متحده شکل حوزه‌های انتخابیه نباید عجیب و غریب باشد و حوزه‌های انتخابیه باید شکل و اندازه تقریباً منظمی داشته باشند. در ایالات متحده اصل منظم بودن شکل و اندازه حوزه‌های انتخابیه در قوانین این کشور نیامده است با این حال از آنجا که در دهه ۱۹۹۰ برخی ایالت‌ها اقدام به ایجاد تعدادی حوزه انتخابیه با شکل‌های نامنظم نمودند، دادگاه عالی این کشور فرمان ضرورت منظم بودن شکل و اندازه حوزه‌های انتخابیه را صادر کرد.

اقدامات ویژه برای گروه‌های اقلیت در هنگام ترسیم مرزهای انتخاباتی

در برخی کشورها حوزه‌های انتخابیه خاصی برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است. از جمله این کشورها می‌توان به کرواسی، هند، پاکستان، فیجی، موریتانی، نیوزلند، سنگاپور و ایالات متحده اشاره کرد. به‌عنوان مثال در هند و پاکستان اقلیت‌ها دارای حوزه انتخابیه مختص خود هستند. هدف از اختصاص این حوزه‌های انتخابیه به اقلیت‌ها تضمین حضور آنها در پارلمان بوده است.

در ایالات متحده به‌واسطه آنکه اقلیت‌های قابل توجهی وجود دارند و این اقلیت‌ها



مدت‌ها با تبعیض‌های مختلفی مواجه بوده‌اند، براساس قانون حقوق رأی‌دهی مصوب سال ۱۹۶۵ و اصلاح شده در سال ۱۹۸۳ مقرر شد که چنانچه یک گروه اقلیت از سه شرط زیر برخوردار باشد مرزهای حوزه انتخابیه باید به گونه‌ای ترسیم شود که آن گروه در یک یا چند حوزه اکثریت جمعیت را تشکیل دهد. این سه شرط عبارتند از:

- آن گروه به اندازه کافی بزرگ باشد و به لحاظ جغرافیایی هم در یک منطقه متمرکز باشد.

- اعضای آن گروه به لحاظ سیاسی انسجام داشته باشند.

- و کاندیدای مورد نظر آن گروه با کاندیدای مطلوب اکثریت، متفاوت باشد.

گروه اقلیت مورد نظر باید در یک دادگاه به اثبات برساند که هر سه شرط فوق را دارد.

۶. اطلاعات لازم برای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه

ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیازمند گردآوری انواع مختلف اطلاعات است. از جمله اطلاعات ضروری، اطلاعات جمعیتی و آگاهی از نقشه‌های جغرافیایی است. همچنین برای تقسیم حوزه‌های انتخابیه آگاهی از ویژگی‌های سیاسی ساکنان مختلف و استفاده از داده‌های مربوط به آن ضروری است. منظور از داده‌های سیاسی معمولاً نتایج انتخابات است.

۱-۶. استفاده از داده‌های جمعیتی

آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی مناطق مختلف کشور برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی ضروری است. همان‌طور که اشاره شد منظور از جمعیت می‌تواند کل جمعیت مناطق، یا فقط رأی‌دهندگان آنها باشد. بنابراین با توجه به اینکه منظور از جمعیت کدامیک از این موارد است منبع اطلاعاتی می‌تواند متفاوت باشد: سرشماری‌های جمعیتی، لیست رأی‌دهندگان و یا تعداد رأی‌دهندگان در انتخابات‌های قبلی.

۲-۶. استفاده از داده‌های سیاسی

از آنجا که اطلاعات جمعیت چیزی در مورد ویژگی‌ها و ترکیب سیاسی مردم مناطق مختلف کشور در اختیار مسئولان ترسیم مرزهای حوزه انتخابیه نمی‌گذارد، استفاده از داده‌های سیاسی ضرورت دارد. داده‌های سیاسی می‌تواند شامل آمار مربوط به وابستگی‌های حزبی مردم مناطق مختلف کشور، جدول آرای کاندیداها در مناطق مختلف، تعداد رأی‌دهندگان در انتخابات‌های قبلی و... باشد.

۳-۶. استفاده از نقشه‌های جغرافیایی

نقشه‌های جغرافیایی نیز برای ترسیم مرزهای انتخاباتی ضروری هستند. با این‌حال، به‌دست آوردن نقشه‌های مناسب و دقیق همواره یکی از مشکلات ترسیم‌کنندگان مرزهای حوزه‌های انتخابیه بوده است. هرچند نقشه‌های موجود نظیر نقشه راه‌های کشور می‌تواند ویژگی‌های جغرافیایی و مرزهای اداری مناطق مختلف را نشان دهد،



اما این نقشه‌ها ضرورتاً اطلاعات لازم برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را فراهم نمی‌کنند.

۷. مراحل تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه

فرآیند تعیین مرزهای حوزه‌های انتخابیه دو مرحله دارد. مرحله اول عبارت است از توزیع کرسی‌ها بین استان‌ها و ایالت‌ها، این مرحله تا حد زیادی جنبه فنی دارد، به این معنا که معمولاً کرسی‌ها براساس تعداد جمعیت هر ایالت یا استان بین آنها تقسیم می‌شود. مرحله دوم مرحله تأیید مرزهای اداری موجود به‌عنوان مرزهای انتخاباتی و یا ترسیم مرزهای جدید در درون ایالت‌ها و استان‌هاست. این مرحله دوم کمتر از مرحله اول فنی است و نیازمند زمان و هزینه بیشتری است. مرحله دوم خود سه مرحله دارد:

- گردآوری اطلاعات برای ترسیم مرزهای انتخاباتی،
- تبدیل واحدهای جغرافیایی به حوزه‌های انتخابیه،
- فراهم کردن یک گزارش کار و تهیه نقشه از مرزهای انتخاباتی جدید.

۸. تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی در کشورهای مختلف

در جدول ذیل وضعیت کشورهای مختلف به‌لحاظ ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی نشان داده شده است.

جدول ترسیم مرزهای انتخاباتی در کشورهای مختلف

نام کشورها	درصد کشورها	تعداد کشورها	
افغانستان، آنتیگوا و باربودا، آنگولا، آلبانی، ارمنستان، ساموای آمریکا، استرالیا، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، باربادوس، بنگلادش، بلژیک، بلغارستان، بحرین، بنین، برمودا، بولیوی، باهاما، بوتسوانا، بلاروس، بلیز، کانادا، کنگو (کینشاسا)، جمهوری دمکراتیک کنگو، ساحل عاج، جزایر کوک، چین، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، کیپ ورده، قبرس، جمهوری چک، آلمان، دومینیکا، جمهوری دومینیکن، اکوادور، مصر، اریتره، اتیوپی، فنلاند، فیجی، میکرونزی، فرانسه، بریتانیا و ایرلند شمالی، گرانادا، گرجستان، گویان فرانسه، غنا، گامبیا، گوادلوپ، گینه بیسائو، گویان، هنگ‌کنگ، کرواسی، مجارستان، اندونزی، ایرلند، هند، ایسلند، ایتالیا، جامائیکا، ژاپن، کنیا، سنت‌کیتس و نویس، کره جنوبی، جزایر کیمن، قزاقستان، لبنان، سنت‌لوسیا، سریلانکا، لیبریا، لسوتو، لیتوانی، لوکزامبورگ، لتونی، جزایر مارشال، مالی، مغولستان، مارتینیک، مالت، مالاوی، مکزیک، مالزی، نامیبیا، کالدونیای جدید، نیجر، نیجریه، نپال، نیوئه، نیوزلند، پاناما، پرو، پلینزی فرانسوی، گینه پایوا، فیلیپین، پاکستان، لهستان، پورتوریکو، ریونیون، رواندا، سیشل، سودان، سوئد، سنگاپور، اسلوانی، سیرالئون، سومالی، سوازیلند، جزایر ترک و کیکو، توگو،	۶۶	۱۳۶	کشورهای دارای فرآیند تعیین مرزهای حوزه‌های انتخاباتی



نام کشورها	درصد کشورها	تعداد کشورها	
تایلند، تاجیکستان، جزایر تیمور، ترکمنستان، تونس، تونگا، ترکیه، ترینیداد و توباگو، تووالو، تانزانیای اوکراین، اوگاندا، ازبکستان، سنت وینسنت و گرنادین، ونزوئلا، ویتنام، وانواتو، والیس و فوتونا، ساموآ، یمن، زامبیا، زیمبابوه، زنگبار، آمریکا و بریتانیا			
آندورا، آنگولا، آرژانتین، آروبا، بورکینافاسو، بروندي، برزیل، جمهوری آفریقای مرکزی، سوئیس، شیلی، کامرون، جیبوتی، دانمارک، الجزایر، استونی، اسپانیا، جزایر فالکلن، گابن، گینه، گواتمالا، گوام، هندوراس، هائیتی، عراق، اردن، کامبوج، مراکش، مولداوی، مونته‌نگرو، ماداگاسکار، مقدونیه، جمهوری سابق یوگسلاوی، موریتانی، موریس، مالدیو، موزامبیک، نیکاراگوئه، هلند، نروژ، فلسطین، پرتغال، پالاو، پاراگوئه، رومانی، فدراسیون روسیه، جزایر سلیمان، سنت هلن، سن مارینو، سنگال، سورینام، السالوادور، چاد، تایوان، اروگوئه، آفریقای جنوبی	۲۷/۵	۵۶	کشورهایی که از مرزهای اداری به‌عنوان مرزهای حوزه‌های انتخاباتی استفاده می‌کنند
اتریش، یونان، قرقیزستان، کوزوو، اسلواکی	۲/۵	۵	کشورهایی که حوزه انتخاباتی ندارند
امارات متحده عربی، جزیره کریسمس، صحرای غربی، جزایر پیتکرن، جزایر ویرجین	۳/۴	۵	کشورهایی که اطلاعاتی از آنها در دست نیست

نتیجه‌گیری

همچنانکه اشاره شد یکی از مهمترین و حساس‌ترین بخش‌های هر نظام انتخاباتی، فرآیند تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه است. با این حال، در کشورهای مختلف این فرآیند به اشکال مختلف و متفاوتی صورت می‌گیرد. این تفاوت‌ها هم به لحاظ نهاد مسئول تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه است و هم به لحاظ نحوه و شکل اجرای این فرآیند. در اکثر کشورهای دنیا یک کمیسیون مستقل مسئولیت تعیین مرزهای انتخاباتی را برعهده دارد. در عین حال در تعداد اندکی از کشورها قوه مقننه یا کمیسیون انتخابات کشور این کار را انجام می‌دهند. همچنین نحوه اجرای این فرآیند با توجه به تجربیات تاریخی و شرایط اجتماعی و اقتصادی هر کشور شکل خاصی به خود می‌گیرد. تجربیات این کشورها در تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه و نهاد مسئول این امر و نحوه و شکل اجرای آن می‌تواند در اجرای اصل شصت و چهارم قانون اساسی در افزایش ۲۰ نفر به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.



منابع و مأخذ

1. Bernard Grofman and Lisa Handley. "Redistricting in Comparative Perspective": Oxford University Press , 2008.
2. Lisa Handley. "Boundary Delimitation": <http://aceproject.org/ace-en/topics/bd>
3. Lisa Handley. "Challenging the Norms and Standards of Election Administration: Boundary Delimitation" :
<http://www.ifes.org/publication/505d087c7a033c8563e67b9fdd45cd78/4%20IFES%20Challenging%20Election%20Norms%20and%20Standards%20WP%20BNDEL.pdf>
4. Rush, Mark "Does Redistricting Make a Difference?" Baltimore: The Johns Hopkins University Press, 1993.
5. Morrill, Richard "Political Redistricting and Geographic Theory" Washington D.C: Association of American Geographers, Resource Publication in Geography, 1981. lisa Handley and others. "delimitation": <http://www.ifes.or/>
6. David Rossiter and Bristol. R.J. Johnston. "The boundary commissions": Manchester University Press ND, 1999.
7. Iain McLean. "Fixing the boundaries: defining and redefining single-member electoral districts": the University of Michigan, 1996.
8. Farrell, David. "*Comparing Electoral Systems*" London: Prentice Hall, 1997.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۰۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: معیارهای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه در کشورهای مختلف

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: ابوذر رفیعی قهساره

ناظر علمی: ابوذر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۷/۳۰

